

بررسی دوره اول حیات حزب دموکرات فارس (۱۳۲۹-۱۳۳۳ ه.ق/۱۹۱۱-۱۹۱۵ م)

دکتر حمید حاجیان‌پور*

رحیمه منفرد**

چکیده

حزب دموکرات فارس در اواخر ربیع‌الاول ۱۳۲۹ ه.ق / مارس ۱۹۱۱ م به عنوان شعبه‌ای از حزب دموکرات ایران در دوره احمدشاه قاجار با اعزام حیدرخان عمو اوغلی و میرزا قاسم خان (آصف‌الملک) از تهران، در شیراز تشکیل شد. این حزب به عنوان اولین تجربه حزبی در فارس با مسائل عدیده‌ای روبه‌رو گشت. ایام حیات این حزب شامل ۴ دوره بود: دوره اول از آغاز پیدایش تا اشغال بوشهر توسط انگلیسی‌ها ادامه داشت (از اواخر ربیع‌الاول ۱۳۲۹ ه.ق / اواخر مارس ۱۹۱۱ م تا ۲۷ رمضان ۱۳۳۳ ه.ق / ۸ اوت ۱۹۱۵ م).

- دوره دوم همزمان با تشکیل کمیته حافظین استقلال از برخی نیروهای ژاندارمری و همکاری و ائتلاف آن با حزب دموکرات جهت مقابله با تهاجم بیگانه بود (از ۲ محرم ۱۳۳۴ ه.ق / ۱۰ نوامبر ۱۹۱۵ م تا ۱۳۳۶ ه.ق / ۱۹۱۸ م).
- دوره سوم پس از انتخاب عبدالحسین میرزا فرمانفرما به والی‌گری فارس آغاز شد و حدود ۴-۳ ماه طول کشید (۱۳۳۶ ه.ق / ۱۹۱۸ م).

- دوره چهارم با تشکیل حزب دموکرات شرق توسط شیخ عبدالرسول نیز شیرازی همزمان بود و از ۱۳۳۶ ه.ق / ۱۹۱۸ م تا ۱۳۴۱ ه.ق / ۱۹۲۳ م را شامل می‌شد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
در این پژوهش دوره اول حیات این حزب و اقدامات آنان مورد بررسی قرار خواهد گرفت. این پژوهش در پی یافته‌هایی برای این پرسش‌هاست که اولاً: حزب دموکرات فارس چگونه شکل گرفت و چه عواملی در پیدایش آن موثر بود؟ ثانیاً: این حزب در دوران اول فعالیت خود چه اقداماتی را انجام داد؟ ثالثاً: چگونه در نواحی جنوبی کشور گسترش یافت و شعباتی در برازجان و بندرعباس ایجاد کرد؟

واژه‌های کلیدی

حزب دموکرات، فارس، حزب، شیراز، بندرعباس، برازجان.

* استادیار تاریخ دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول) Hhajianpour@yahoo.com

** مدرس دانشگاه پیام‌نور بیضا nikandish2008@yahoo.com

مقدمه

پیش از ورود به بحث در مورد حزب دموکرات فارس، لازم است بسترهایی که سبب ایجاد این حزب در ایران و به تبع آن حزب دموکرات فارس گردید مورد بررسی قرار گیرد. نهضت مشروطیت ایران، دگرگونی‌های بسیاری را در ابعاد سیاسی - اجتماعی و فرهنگی ایجاد کرد. در جریان این نهضت حضور گسترده مردم و درگیر شدن بخش قابل توجهی از افراد جامعه شکل گرفت. نهضت مشروطیت از نوع جنبش‌های آزادی‌خواهی طبقه متوسط شهرنشین بود که مهم‌ترین عناصر تعقل اجتماعی و ایدئولوژی آن نهضت را دموکراسی سیاسی یا لیبرالیسم پارلمانی تشکیل می‌داد. در این نهضت، همچون اغلب حرکت‌های اجتماعی، طبقات و گروه‌هایی با افق اجتماعی گوناگون و نظرهای متمایز مشارکت داشتند. روشنفکران اصلاح طلب و انقلابی، بازرگانان ترقی‌خواه و روحانیون روشن‌بین، سه عنصر اصلی سازنده آن نهضت بودند. روشنفکران که جملگی در زمره درس‌خواندگان جدید به شمار می‌رفتند، نماینده تعقل سیاسی غربی بودند، آنها خواهان تغییر اصول سیاست و مروج نظام پارلمانی بودند و تکیه‌گاه فکریشان در درجه اول اندیشه‌های انقلاب فرانسه بود و در پی تشکیل مجلس برآمدند و این امر مقدمه ایجاد حزب در ایران گردید. بازرگانان که مدتی بود فعالیت اقتصادی جدید را آغاز کرده بودند، به علت آمد و شد و مسافرت‌ها، و آشنایی با نظام جهانی تجاری و حمایت دولت‌ها از تجار خود دریافته‌اند که نظام سیاسی تکامل یافته تری می‌تواند در دفاع از سرمایه‌ها و فعالیت بازرگانان، امور کشور را در دست داشته باشد. این طبقه با نیروی انگیزشی که نشانه هوشیاری اجتماعی‌اش بود، در سیاست ظاهر گشت و همراه اصلاح طلبان در جهت مشروطه‌خواهی قدم

برداشت. روحانیون تحت تأثیر و تلفیق و نفوذ اجتماعی عقاید روشنفکران آزادی‌خواه قرار گرفتند و به مشروطه‌گرایی یافتند و بر اثر آن بود که در صدد تأویل شرعی و توجیه اصول مفهوم مشروطیت برآمدند.

با پیشرفت حرکت ملی و اعلام مشروطیت و تأسیس مجلس، زمینه تحول فکری و سیاسی تازه‌ای فراهم شد. جنبش مشروطه‌خواهی نیرویی روزافزون یافت. در سایه آزادی، فعالیت اجتماعی رونق گرفت. تحرک اجتماعی از شهر به روستا سرایت کرد و طبقه دهقان که هیچ دخالتی در پیدایش آن نهضت نداشت، هوشیار شد و به حرکت درآمد؛ عنصر مجاهدین و اجتماعیان با تفکر سوسیال دموکراسی به پهنه سیاست مشروطیت پی نهاد؛ اندیشه دموکراسی اجتماعی در ایدئولوژی مشروطیت پدیدار گشت.

رهایی از قید استبداد و استعمار و آزادی و استقرار قانون، و مفهوم عدالت و آزادی، به گونه‌های متفاوت، مشروطه‌خواهان ایران را تحت تأثیر قرار داد و آنان را همراه و هم سخن ساخت. در ایالات نیز مانند تهران، مشروطه‌خواهان فعالیت‌های گسترده‌ای انجام دادند. باید اذعان داشت با همراهی و همگامی «مشروطه ولایات» بود که مشروطیت در پایتخت به پیروزی رسید. نقش آذربایجان، گیلان و بختیاری‌ها به دلیل نزدیکی بیشتر به تهران و سهم ارزنده‌ای که در استقرار مشروطه داشته‌اند مشهور و معروف است. اما در این میان نمی‌توان نقش فارس را نادیده گرفت. فارس نیز همچون سایر ایالات همراه با مشروطه‌خواهان مرکز فعالیت خود را شروع کردند. فارس در آغاز قرن بیستم شامل چهار استان کنونی فارس، هرمزگان، کهکیلویه و بویراحمد و بوشهر بود که حدود آن صد هزار مایل مربع تخمین زده شده که از شمال به منطقه بختیاری و

موضع جناح مشروطه خواه گردید، زمینه تشدید رقابت و کشمکش میان دو جبهه درگیر را به وجود آورد.

برای درک صحیح تحول مشروطه خواهی در فارس و اتفاقات بعد از آن، توجه به چند نکته ضروری است:

۱- قیام تنباکو که مقدمه مشروطه خواهی محسوب می- شود از فارس آغاز شد.

۲- در زمان وقوع نهضت مشروطه نیز تعدادی از رجال بزرگ مشروطه از جمله جهانگیرخان شیرازی (صور اسرافیل) و سید محمد رضا مساوات برازجانی از این ایالت بودند.

۳- بعد از مشروطه همزمان با آغاز جنگ جهانی اول و حضور انگلیس و آلمان در منطقه جنوب، فارس نقش مهمی در برابر بیگانگان ایفا کرد.

از جمله کنشگرانی که در این برهه زمانی در فارس فعالیت داشتند عبارتند از:

الف) علما و روحانیونی که رهبری مردم را چه در انقلاب و چه در حوادث بعد از آن برعهده داشتند. از جمله شیخ ابراهیم محلاتی، سید ابراهیم مدرس اردکانی، سید عبدالحسین لاری، شیخ جعفر محلاتی و شیخ محمد حسین برازجانی.

ب) گروه‌های قومی که شامل ایلات خمسه، ایل قشقایی و بنختیاری‌ها می‌شد که همواره با هم درگیر بودند.

ج) کنسولگری انگلیس که علاوه بر فعالیت‌های معمول سیاسی، وظیفه حمایت و همکاری با تجاوز انگلیس در فارس را بر عهده داشت. آنها در جهت گسترش نفوذ خود در جنوب با توجه به اهداف سیاسی و اقتصادی شان به غیر از تاسیس کنسولگری، مراکز دیگری از جمله احداث خطوط تلگراف، بانک شاهنشاهی، مدارس، نمایندگی‌ها و شرکت‌های تجاری، دفاتر گمرکی، ارائه خدمات بهداشتی و پزشکی، اعزام

اصفهان، از مشرق به کرمان، از مغرب به نواحی خوزستان و از جنوب به دریای فارس محدود می‌شد.

فارس در آخرین ماه‌های سال ۱۳۲۴ هـ.ق/ ۱۹۰۶ م دوران تازه‌ای را در همگامی با مشروطیت و تشکیل اولین نهادهای مدنی آغاز کرد. مشروطه طلبان فارس از طبقات مختلفی از جمله علما، اصناف و اعضای برجسته و محترم محلات بودند. اولین اقدام فارس در جنبش مشروطه خواهی، انتخاب نمایندگان خود در مجلس شورای ملی بود که نمایندگان فارس در این دوره محمد حسن تغه الاسلام، سید فخرالدین فخرالسادات، حبیب الله قوام دیوان، میرزا محمد علی خان، شیخ یوسف حدایق، میرزا ابوالحسن خان بانکی (شیرازی)، امین التجار شیرازی، سید جعفر مزارعی بودند که جمعاً ۸ نفر می‌شدند.

اقدام بعدی شیرازی‌ها تشکیل انجمن‌های مردمی از جمله انجمن ایالتی و انجمن‌های ولایتی و انجمن اسلامی بود که سعی داشتند بر مجلس نظارت داشته باشند. با بررسی اسامی شخصیت‌هایی که به عضویت این انجمن‌ها درآمده بودند آشکار می‌شود که برخی از اعضای حزب دموکرات فارس از جمله محقق العلماء، سید عبدالحسین لاری و علی آقا، ذوالریاستین در این انجمن‌ها حضور داشتند. اما اوج حوادث مشروطه خواهی در شیراز با تاسیس تشکیلات سیاسی جدید به نام انجمن انصار شکل گرفت که متشکل از عناصر مشروطه طلب بود و به مبارزه با استبداد و همراهی با مشروطه خواهان پرداخت. با ورود سید عبدالحسین لاری به شیراز، افراد و گروه‌ها و انجمن‌های مشروطه خواه و جناح‌های ضد قوام الملک از جمله صولت الدوله گرد وی جمع شدند و جبهه واحدی را علیه دستگاه قوامی‌ها تشکیل دادند. حضور ایشان و هوادارانش در شیراز، ضمن آن که موجب تقویت

هیأت‌های تبشیری و در نهایت به تأسیس پلیس جنوب اقدام کردند.

از آنجایی که تاکنون تحقیق جامع و مستقلى درباره حزب دموکرات فارس صورت نگرفته است و برخی مطالعات آغازین جهت شروع تحقیقات بنیادی وجود دارد. لذا به لحاظ ضرورت و اهمیت موضوع، سعی شده با استفاده از نشریات به جامانده و کتب خاطرات و کتاب‌هایی که به طور پراکنده راجع به فعالیت این حزب مطالبی را به دست داده‌اند، تحقیق مستقلى صورت گیرد.

پیشینه

انقلاب مشروطه آغازگر حزب گرایی در ایران بود. اگر چه پیش از این، تجمع‌های سیاسی بسیاری گاه مانند فدائیان اسماعیلی به صورت حزب و تشکل سیاسی - نظامی فعالیت می‌کردند و گاه همچون اخون الصفا سیاست را در کنار اندیشه و اصلاح اخلاقی و فلسفی پیشه خود می‌ساختند و به شکل یک تشکل سیاسی - فرهنگی تبلور یافته بودند (مدیر شانه‌چی، ۱۳۷۵: ۳۵). همزمان با مشروطیت، در ایران یک دسته کوچک به نام «اجتماعیون عامیون» به رهبری حیدرخان عمواوغلی که تبعه روس و عنصر سوسیال دموکرات روسیه بود به صورت مخفیانه تشکیل شد (دنیا، ۱۳۴۵ ه.ق: سال ۷، شماره ۲). اولین جمعیت سوسیال دموکرات به نام «همت» در سال ۱۳۲۲ ه.ق / ۱۹۰۴ م بین کارگران ایرانی قفقاز و با کمک مستقیم کمونیست‌های روسیه تشکیل شد. در جریان انقلاب مشروطه نمایندگان گروه همت در تهران، مشهد و تبریز، کمیته «اجتماعیون عامیون» را تأسیس کردند (دهباشی، ۱۳۷۷: ۱۲۳-۱۲۲؛ ذبیح، ۱۳۶۴: ۱۲). بنابراین کمیته «سوسیال دموکرات ایران» یا «اجتماعیون عامیون» اولین حزب ایران محسوب می‌شد

که در سال ۱۳۲۴ ه.ق / ۱۹۰۵ م در بادکوبه تشکیل شد. ایرانیان نیز به حزب مزبور وابستگی فراوان داشتند؛ زیرا حزب سوسیال دموکرات همواره ایرانیان را در مبارزه با روس‌ها یاری می‌کرد (نوائی، ۱۳۷۵: ۵۹-۱۵۸). تأسیس جمعیت مجاهدین (اجتماعیون عامیون) اهمیتی بسزا داشت چرا که برخی از اصول عمده سوسیال دموکراسی در برنامه حزبی آنها بود که بعدها پیشرو فرقه دموکرات ایران شد (رکن‌زاده آدمیت، ۱۳۵۴: ۴۶). این کمیته بعد از تأسیس خود در بادکوبه، چند شعبه در تهران، مشهد، رشت، انزلی، تبریز و اصفهان تشکیل داد و همچنان رابطه خود را با بادکوبه حفظ کرد (رکن‌زاده آدمیت، ۱۳۵۴: ۱۶-۱۵؛ آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۱۳۲). نفوذ این عده بالاخره رابطه شاه را با مجلس به طور کلی به هم زد و کار به جایی رسید که شاه، مجلس اول را در جمادی الاول ۱۳۲۶ ه.ق / ژوئن ۱۹۰۸ م به توپ بست.

بعد از افتتاح مجلس دوم دو حزب به نام‌های «حزب دموکرات» که نام رسمی‌اش «فرقه دموکرات ایران» بود؛ و فرقه «اعتدالیون» که آن را «فرقه اجتماعیون اعتدالیون» می‌نامیدند، به وجود آمدند. به علاوه حزب «اتفاق و ترقی» نیز خالی از اهمیت نبود ولی چون نماینده‌ای در مجلس نداشت پیشرفت نکرد. به جز این احزاب، عناصر منفرد بی طرفی نیز بودند (بهار، ۱۳۸۰: ۱۱/۲؛ رکن‌زاده آدمیت، ۱۳۵۴: ۱۳۶؛ رائین، ۱۳۵۵: ۱۰۹؛ تقی‌زاده، ۱۳۳۸: ۱۱۶). در واقع اولین حزبی که در مجلس دوم به طور رسمی فعالیت خود را آغاز کرد، حزب دموکرات ایران بود و این حزب سعی کرد شعبه‌هایی را در مناطق دیگر ایجاد کند. حزب دموکرات فارس شعبه‌ای از این حزب بود که توسط یکی از روسای حزب دموکرات مرکز در فارس به رسمیت شناخته شد (مدیر شانه‌چی، ۱۳۷۵: ۳۵). لازم به ذکر است که دموکرات‌ها مخالفان خود - اعتدالیون -

برنامه‌های خود تعدیل کنند و یا پافشاری نمایند تا مورد قبول و قابل اجرا گردد (هاشمی، ۱۳۷۲: ۲۱۴).

پیدایش حزب دموکرات فارس

بعد از تشکیل حزب دموکرات ایران در تهران، در اواخر ربیع‌الاول ۱۳۲۹ هجری قمری / اواخر مارس ۱۹۱۱ م، شعبه‌ای از این حزب در شیراز تشکیل شد. در اواخر حکومت نظام‌السلطنه (اواخر ربیع‌الاول ۱۳۲۹ ه.ق / مارس ۱۹۱۱ م) حیدرخان عموآوغلی با میرزا قاسم خان آصف‌الملک از تهران به شیراز آمدند و اولین کمیته‌ی حزب دموکرات را در خانه میرزا قاسم خان تشکیل دادند. این حزب به عنوان اولین تجربه حزبی در فارس با مسائل عدیده‌ای روبه‌رو گشت. از یک سو رقابت‌های محلی میان قشقای‌ها و خاندان قوام و از دیگر سو فعالیت حزب رقیبش اعتدال و کمیته حافظین استقلال در چگونگی ساماندهی فعالیت‌های این حزب نقش داشت. افزون بر آن عملکرد والیان فارس (نظام‌السلطنه، مخبرالسلطنه، نصرت‌السلطنه (قوام‌الملک) و عبدالحسین میرزا فرمانفرما) و شروع جنگ جهانی اول و نقش دولت‌های انگلیس و آلمان در ایام حیات این حزب که سال‌های ۱۳۲۹ ه.ق / ۱۹۱۱ م تا ۱۳۳۶ ه.ق / ۱۹۱۸ م را در بر می‌گرفت، از جمله مسائلی بودند که بر حیات سیاسی این حزب اثر می‌گذاشت.

دوره اول حیات حزب از آغاز پیدایش تا اشغال بوشهر توسط انگلیسی‌ها در تاریخ ۲۷ رمضان ۱۳۳۳ ه.ق / ۸ اوت ۱۹۱۵ م به طول انجامید. در این مدت حزب مشغول عضوگیری و کسب نفوذ اجتماعی در میان مردم بود. این دوران مقارن با جنگ جهانی اول و اشغال ایران از سوی متفقین بود. در این شرایط تاریخی، حزب دموکرات فارس به جذب گروه‌های

را ارتجاعی می‌نامیدند زیرا آن حزب هوادار روش ملایم‌تر و متمایل به رعایت مسیر تکامل بودند و اعتقاد به کشتن و از میان بردن مستبدان و ارتجاعی‌ها نداشتند. از این رو بیشتر اعیان و مرتجعین به این حزب پناه می‌بردند. سپهدار تنکابنی، سردار محیی، دولت‌آبادی‌ها، سید عبدالله بزرگ بهبهانی، سید محمد بزرگ طباطبایی، دو پیشوای مشروطه و غالب متنفذین و ناصرالملک و فرمانفرما و غالب اعیان و روحانیون و اکثریت مجلس دوم طرفدار یا عضو این حزب بودند. آن‌ها دموکرات‌ها را انقلابی و تندرو می‌خواندند و در جراید خود از آنان انتقاد می‌کردند (بهار، ۱۳۸۰: ۹ / ۱).

بنابراین حزب دموکرات ادامه همان کمیته «اجتماعیون عامیون» بود که از دوران مجلس اول، سرّی و کوچک باقی مانده بود. رهبری حزب کماکان با حیدرخان عموآوغلی و محمد امین رسول زاده از نویسندگان نامدار سیاسی قفقاز و تئورسین این حزب بود که در سال ۱۳۲۶ ه.ق / ۱۹۰۸ م از طرف حزب سوسیال دموکرات قفقاز به رشت آمد و در نهضت انقلابی گیلان شرکت کرد و با مجاهدان روانه تهران شد. حیدرخان عموآوغلی یکی از موسسان حزب دموکرات ایران بود. حضور او در کمیته مرکزی حزب می‌تواند نشانه‌ای از تاثیر پذیری حزب دموکرات ایران از حزب سوسیال دموکرات قفقاز باشد (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۱۲۵ و ۱۳۲). در واقع در میان اعضای این حزب دو گرایش متفاوت وجود داشت: یکی سوسیالیست و دیگری مشروطه‌خواه و ملی (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۲۰۰). وکلای دموکرات در مجلس در اقلیت بودند و به ناچار با افرادی مانند مستوفی‌الممالک و صنیع‌الدوله که می‌توان آن‌ها را لیبرال نامید همکاری می‌کردند. از طرف دیگر اعضای این حزب از طبقات گوناگون با عقاید مختلف تشکیل می‌شدند و ناچار بودند

اجتماعی پرداخت. اعضای این حزب از گروه‌ها و طبقات مختلف تشکیل شده بودند و به موجب اساسنامه حزبی می‌بایست مخفی و ناشناس باشند (استخر، ۲۹ خرداد ۱۳۳۸ ه.ش: شماره ۱۷۸۳).

اعضای اولیه حزب عبارت بودند از: میرزا احمد حکیم رابط، شیخ محمدرضا ابوالاحرار، شیخ عبدالرسول نیر شیرازی، علی آقا ذوالریاستین، میرزا احمد باقر دستغیب، میرزا محمدحسن دوافروش، ناظم‌السلطان، میرزا عبدالباقی، سیدجواد محقق‌العلماء، علی فروزان، محمود معاون، میرزا عبدالحسین ذوالریاستین، معدل‌الممالک، محمد اسماعیل تاجرکازرونی (نیر شیرازی)، ۱۳۸۳: ۱/ ۱۶۹؛ ملکزاده هیربد، ۱۳۲۸: ۱۱؛ رکن‌زاده آدمیت، ۱۳۵۷: ۹۵؛ سپهر، ۱۳۶۲: ۷۹). منشی کمیته نیز محمد دانشور بود (ملکزاده هیربد، ۱۳۲۸: ۱۱).

هر یک از اعضای حزب مامور تشکیل چند حوزه شدند و به فاصله کمی، سی حوزه را تشکیل دادند و در هر حوزه، پنجاه تا شصت نفر عضویت داشتند. مردم با شور و هیجان عجیبی وارد حزب شدند و برای خدمت و فداکاری در راه مشروطیت، با ایمان و عقیده صافی به کلام الله مجید قسم یاد می‌کردند (استخر، ۲۸ آذر ۱۳۳۰ ه.ش: سال ۴۳، شماره ۱۴۶۳).

اعضای جدیدی که به مرور زمان به این حزب پیوستند عبارتند از: مدیرالدوله فانی، سید محمد رضوی، معین الاسلام بهبهانی، سید ابراهیم ضیاء‌الواعظین، ضیاء‌التجار ضیائیان، محمدتقی گلستان، امام صمدانی، سردار فاخر حکمت، شیخ محمدحسین حیات، میرزا مهدی نقیب‌الممالک، محمدقالی فروش، میرزا احمدخان پژوه، عباس شمس‌الاحرار اصفهانی، سید اسدالله تاجر، میرزا فتح‌الله خان عکاس، سید جواد خراز، سید عبدالحسین صدرالاسلام کازرونی، سید علی محمد حمزوی ملقب به امین خاقان، پسران شیخ‌الاسلام وثقه‌الاسلام، شیخ علی محمد امام جمعه،

وقارالدوله، علی محمد شیرازی، عبدالحسین ناپلئون شیرازی، ابراهیم خان مشیری، شیخ محمد تقی خوانساری (معرفت)، سرهنگ سیدعبدالله مجاب (ضیاء السلطان)، عبدالله ناصر دیوان کازرونی، صولت‌الدوله قشقایی، بهاء السلطان، محمد حسین استخر، علی اکبر تنباکو فروش، خلیل مشیری (سپهر، ۱۳۶۲: ۷۹؛ رکن‌زاده آدمیت، ۱۳۵۷: ۹۵؛ ملکزاده هیربد، ۱۳۲۸: ۱۱؛ استخر، ۲۹ خرداد ۱۳۳۸ ه.ش: شماره ۱۷۸۳؛ فراشبندی، ۱۳۵۹: ۴۵-۴۶).

قبول عضویت افراد در این فرقه انقلابی-سیاسی، محدود به شرایطی از جمله حسن شهرت، داشتن معتقدات مذهبی، تمایلات ملی، احساسات آزادی‌خواهی و ناسیونالیستی، روح فداکاری، ثبات قدم، پشتکار و خلاصه سنجایی اخلاقی و درک اجتماعی بود که در گسترش تشکیلات و نفوذ معنوی حزب تأثیر بسزایی داشت. در بررسی اعضای حزب دموکرات فارس آشکار می‌شود که در حزب مزبور نمایندگانی از طبقات مختلف جامعه حضور داشتند. از طبقه روحانیون شخصیت‌هایی همچون میرزا احمد حکیم رابط، شیخ محمدرضا ابوالاحرار، شیخ عبدالرسول نیر شیرازی، علی آقا ذوالریاستین، شیخ محمدحسین حیات، میرزا احمد باقر دستغیب و دیگران حضور فعال داشتند. از طبقه کاسبان و صاحب حرف افرادی مانند محمدقالی فروش، سید اسدالله تاجر، میرزا فتح‌الله خان عکاس، سید جواد خراز، علی اکبر تنباکو فروش و از شخصیت‌های مردمی می‌توان به سردار فاخر حکمت، عبدالله ناصر دیوان کازرونی، صولت‌الدوله قشقایی و محمد حسین استخر اشاره کرد.

این حزب در طول فعالیت خود، دچار دگرگونی و تغییراتی شد. گزارش‌های این دوران حاکی از آن است که این حزب از آفات فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی برکنار نماند و در گذر زمان برخی از اعضای حزب از

۲- حرکت آزادی خواهانه با ظهور کاپیتالیسم از اروپا شروع شد، فنودالیزم را در هم شکست و همین امر اساس تحولات در غرب گشت.

۳- در این مرامنامه آمده است که ایران نمی تواند از قافله تمدن و تکامل به دور باشد و بر استبداد مطلق استوار باشد.

۴- ایران در این راه زحمات زیادی کشیده و قربانی‌ها داده است اما هنوز به مقصد نرسیده است و باید تلاش کند تا از تکامل عالم عقب نماند. برای رهایی از وضع موجود، باید وضع کنونی را شناخت. ایران در گذشته دارای مشکلات و بحران‌های سیاسی بوده است اما اکنون دچار انقلاب اجتماعی و سیاسی شده است.

۵- تغییرات اجتماعی و اقتصادی در حال شکل‌گیری است و از فنودالیزم به کاپیتالیسم در حال گذر است و در صدد حکومت قانون است اما بستر درونی آن فراهم نبوده و رقابت سرمایه خارجی از طرف دیگر آن را دچار مشکل کرده است.

۶- برای عبور از بی‌نظمی موجود و آناارشی بعد از انقلاب مشروطه، باید یک حکومت قانونی قوی و متمرکز ایجاد کرد. باید صنایع سرمایه ملی از سوی حکومت به گونه‌ای تنظیم شود که قدرت رقابت با تفضیقات خارجی را داشته باشد و در قافله پیشرفت بشر مؤثر باشد.

۷- برای به‌فعالیت در آوردن این مقاصد، افراد دانا و وطن‌پرست را باید در یک فرقه سیاسی متحد کرده، برای استقلال کشور و ابقای مشروطیت بکوشند و با از میان بردن مشکلات گوناگون در شاهراه تمدن بشری قرار بگیرند. در واقع، حزب دموکرات ایران برای این مقصود و برای اتحاد مردم تاسیس شده است تا دولتی دموکرات که در دست عامه ملت باشد تشکیل گردد تا بدین وسیله مطالبات سیاسی، مدنی، اقتصادی، اجتماعی و دینی آن‌ها را تحقق دهد.

جایگاه حزبی برای کسب مناصب سیاسی و ثروت اندوزی بهره‌گرفته‌اند. این امر موجب کاهش اعتبار حزب دموکرات فارس در دوران‌های پیشین گردید. مطبوعات این دوران می‌نویسند:

«در این حزب نه پولی در کار بود نه آس و پلو و آجیلی، نه دورویی وجود داشت و نه بد عهدی و دروغ‌گویی، ولی به تدریج افراد منافق و بی‌ایمان به هوای جاه و مقام و ریاست و پول وارد این حزب شدند و آن را آلوده کردند و از نیرو و قدرت و اعتبار و اهمیت اولیه‌اش انداختند» (استخر، ۲۸ آذر ۱۳۳۰ه.ش: سال ۴۳، شماره ۲۸). در مورد هدف و شیوه کار حزب دموکرات فارس در روزنامه‌ی «جام جم» ارگان حزب چنین آمده است: «حزب مقدس دیموکرات که همیشه اندیشه‌اش حفظ استقلال وطن عزیز و بقاء قومیت و اسلامیت بود هیچوقت از پیشرفت مردم خود غفلت نورزید و مقتضیات وقت را از دست نداد مخصوصاً در ایام عاشورا که بهار تعزیه‌داری [بود] ... با یک جنبش و حرکت سیاسی از روی یک نظام و تربیت اساسی با کمال خلوص عقیدت لوای عزا را افراشت. در این ایام آقایان ابوالسادات، ابوالاحرار، ضیاء الواعظین سخنرانی کرده و ملک‌المحققین نوحه سرایی کردند» (جام جم، شماره ۳۵، ۲۲ محرم ۱۳۳۴). افزون بر روزنامه‌ی حزب، مرامنامه و بیان‌نامه‌ی حزب دموکرات فارس، اهداف و رویکردهای آنان را در بر داشته و در شناخت اصول و نگرش‌های این حزب کمک شایانی می‌نماید.

مرامنامه حزب دموکرات فارس که در روزنامه فارس سال ۱۳۳۲ه.ق/ ۱۹۱۴م به چاپ رسیده است، بدین شرح است:

۱- حزب دموکرات فارس است که هر چه قدر دنیا پیشرفت کند و روابط تجاری، مناسبات مدنی و آلات و ادوات صنعتی بیشتر شود، حرکات آزادی خواهانه نیز وسعت خواهد یافت و تمام تلاش بشریت به طرف سعادت و آزادی و مساوات است.

این خواسته‌ها در هفت اصل بیان شده است:

- ۱- اولین اصل عنوان شده در مرامنامه، اصول سیاسی است که باید بر اساس انتخاب عمومی بوده، تمامی امتیازات، منسوخ گردد. قدرت دولت فقط باید در دست مجلس شورای ملی باشد و فقط مجلس حق وضع قوانین را خواهد داشت. وزراء نیز باید از اعضای مجلس انتخاب شوند.
- ۲- در اصول مدنیه آمده که همه مردم در مقابل دولت و قانون و بدون در نظر گرفتن نژاد، مذهب و ملیت، برابرند. همه مردم از هر نوع تعرضی مصون بوده، در کلام، مطبوعات و اجتماعات کاملاً آزاد هستند.
- ۳- در مورد قانون انتخابات آمده است که: انتخابات باید عمومی، مساوی، مستقیم صورت بگیرد و آنجا که انتخاب مستقیم امکان پذیر نیست، انتخاب بالواسطه معمول شود و هر یک از افراد بالای بیست و یک سال حق انتخاب کردن دارند و آنان که بیست و پنج سال دارند هم حق انتخاب کردن دارند و هم حق انتخاب شدن.
- ۴- در مبحث قضاوت، قوه قضائیه را از قوه مجریه جدا دانسته و محاکمه همه افراد ملت را متساوی و سریع می‌داند.
- ۵- در مورد امور روحانی و معارف آمده است که: قوه سیاسی و قوه روحانیه نیز باید از هم جدا بوده و تعلیم و آموزش برای همه افراد اجباری و مجانی باشد. با توجه به عضویت روحانیون در حزب دموکرات که به نوعی در سیاست نیز نقش اساسی داشتند این اصل قابل تأمل است.
- ۶- در این مرامنامه خدمت سربازی را برای هر یک از افراد جامعه که تندرست باشند اجباری کرده، مدت سربازی را دو سال اعلام کردند که در اصل دفاع ملی عنوان شده است.
- ۷- مهم‌ترین بند این مرامنامه مربوط به اصول اقتصادی

است که در هفده ماده گنجانده شده است در این بند، مالیات مستقیم را بر مالیات غیر مستقیم ارجح دانسته و طرح مالیات را بر اساس عایدات قرار دادند نه بر حسب مساحت زمین کار. مزدوری را برای بچه‌های زیر چهارده سال ممنوع کرده و مدت کار در شبانه روز را ده ساعت دانستند و استراحت عمومی را یک روز در هفته اعلام کردند. احتکار غلات را به خاطر مالیات سنگین ممنوع کرده و همه نوع عوارض و مأخوذات از طرف مالکین بر رعایا به غیر از حقوق قانونی آن‌ها را به هر اسم و رسمی - هدایا، تعارف و... - ممنوع و مستلزم مجازات دانستند. حکومت ارباب‌ها و مالکین را در اراضی خود به کلی منسوخ نموده و تبدیل به حکم مامورین دولت کردند. در بند پایانی اشاره شده که اراضی خالصه بین زارعین و رعایا تقسیم شود و همچنین شعبه‌های بانک زراعی نیز در اراضی اربابی ایجاد شود. در این مرامنامه حق تقدم خرید زمین در موقع فروش به زارعین داده شد. موارد پایانی که در مورد رعایا و مالکین آمده، همه به نفع رعایا و زارعین تمام شده است.

متن بیان‌نامه که مستقیماً از روزنامه جام جم ارگان حزب استخراج شده است برای اولین بار در یک تحقیق جدید به چاپ می‌رسد. متن کامل بیان‌نامه عبارت است از:

«هموطنان عزیز - فرقه دموکرات فارس مقصدش استقلال ایران و یگانه عنصر فعال وطن پرست، آزادی خواه، مقدس‌ترین احزاب سیاسی مملکت را تشکیل می‌دهد، مرام او ترقی و نجات مملکت و ملت ایران و آسایش در زیر لوای عدالت و مساوات و برطرف داشتن هر قسم اختلافات و برقرار نمودن اتحاد و ترقی فی مابین ابناء وطن عزیز است. فرقه دموکرات فارس با کمال اتحاد و اتفاق در تحت یک دیسپلین منظم و از روی یک نظامنامه مسلم، خط سیر خود را تعیین نموده،

می‌شود که حزب مزبور در این بیان نامه ده نکته را مورد توجه قرار داده است: ۱- هدف حزب را استقلال ایران دانسته و معتقد است عناصر وطن پرست و آزادی‌خواه، مقدس‌ترین حزب سیاسی کشور را تشکیل می‌دهند که مرام آن‌ها ترقی و نجات مملکت و دولت ایران، برطرف کردن اختلافات و برقراری اتحاد و اتفاق بین افراد است که این تنها تحت لوای عدالت و مساوات، امکان پذیر است.

۲- این حزب با کمال اتحاد و اتفاق تحت یک سیاست منظم و از روی یک نظام‌نامه مسلم خط سیر خود را تعیین کرده و یک قدم بر خلاف مصالح مملکت بر نمی‌دارد.

۳- این فرقه با اشخاص مخالف نبوده و تنفر آن‌ها تنها از دشمنان و خائنین به مملکت است. از این رو اعضای حزب در برابر قوامی‌ها که آن‌ها را خائن به مملکت می‌دانستند، ایستادگی کردند.

۴- فرقه دموکرات فارس بی‌طرفی کشور را در جنگ جهانی اول که از طرف دولت اعلان شده، قبول دارد و از کشورهای همسایه متوقع است که این بی‌طرفی را مورد توجه قرار دهند. با وجود این اصل در بیان‌نامه، در بررسی عملکرد حزب آشکار می‌شود که این حزب به نوعی طرفدار آلمان‌ها بوده و از آن‌ها در برابر دولت‌های روس و انگلیس حمایت می‌کردند.

۵- فرقه دموکرات در سیاست‌های مملکتی با هیچ یک از اتباع دولت‌های بیگانه وارد مذاکره سیاسی نمی‌شود.

۶- این حزب از کسانی که به تحریک دشمنان مملکت و بدخواهان اسلام و ایران می‌خواهند فساد و فتنه کرده، اهداف خود را پیش ببرند، بیزار است. چنانچه هنگامی که کمیته حافظین استقلال برای همکاری با آن‌ها تشکیل شد و به اقداماتی از قبیل جمع آوری اعانه و گرفتن پول از مردم به عناوین مختلف دست زدند و باعث فساد شدند، اعمال آنان را قبول نکردند و انحلال

یک قدم بر خلاف مصالح نوع و مملکت بر نمی‌دارد. فرقه دموکرات فارس طرفیت با اشخاص ننموده فقط طرفیت و تنفر وی از دشمنان و خائنین مملکت ایرانست. فرقه دموکرات فارس بی‌طرفی را که در این بحران عظیم دنیا از طرف دولت محبوبش اعلان شده به چشم تقدیس و تنزیه و تجلیل نگریسته و این بی‌طرفی را نیز متوقع است که همسایگان دولت علیه نظر توقیر و صرفه خود منظور دارند. فرقه دموکرات در سیاست مملکتی با احدی از نمایندگان و اتباع دول اجنبی به نام فرقه، داخل در هیچ قسم مذاکرات پولتیکی نمی‌شود. فرقه دموکرات فارس از کسانی که به تحریک دشمنان مملکت و بدخواهان اسلام و ایرانیت می‌خواهد بین القای نفاق و تولید فساد و فتنه نموده و بدین وسیله اغراض خود را پیش برده محرکین را نیز ضمناً از خود راضی و ممنون نمایند، بیزار است.

فرقه دموکرات فارس داخل هیچ گونه دسیسه و انتریک که عمده وسیله پیش رفت مقاصد دشمنان ایران است نبوده و خود را از این اتهامات بری دانسته و هر کس را که یک قدم بر خلاف آنچه در صدد این بیان نامه ذکر شده بردارد منسوب به این فرقه نمی‌داند. فرقه دموکرات فارس با یک دنیا جرأت و جسارت بدون هیچگونه ترس و بیم در حفظ حقوق و استقلال وطن مقدس خود ایران ایستاده، جان نثاری و سربازی را از وظایف ایرانیت و اسلامیت می‌داند.

فرقه دموکرات فارس همه وقت مال و جان را در وقایه خاک پاک وطن عزیز به چیزی نشمرده و روز افزون در مقابل تجاوزات همسایگان بروز فعالیت خواهد داد. فرقه دموکرات فارس نشر پاره اوراق به عنوان شب نامه را قبیح و مطالب خود را بدون بیم در جراید درج و مبلغینش علناً اظهار می‌دارند. «کمیته ایالتی فارس- فرقه دموکرات ایران (جام جم، ۱۶ ذی حجه ۱۳۳۳ه.ق، ۲ و ۱).

در بررسی بیان نامه حزب دموکرات فارس آشکار

خود را اعلام کردند .

۷- این فرقه وارد هیچ گونه دسیسه‌ای که باعث پیشرفت مقاصد دشمنان شود، نشده و خود را از این اتهامات دور نگه می‌دارد و هر کس را که غیر از این بیان‌نامه اقدامی انجام دهد منسوب به این فرقه نمی‌داند.

۸- فرقه دموکرات فارس با جرأت و جسارت و بدون ترس و وحشت، در حفظ حقوق و استقلال وطن جان نثاری کرده و این را از وظایف خود می‌داند. این اصل را عده‌ای از اعضای حزب مانند سلطان مسعود خان، معاضد السلطان، ضیاء‌الواعظین، سید جواد محقق العلماء، یاور علی قلی خان پسیان، سلطان غلامرضا خان رعایت کرده و به طوری که در این راه زندانی و اعدام نیز شدند و حتی برخی خودکشی کردند اما برخی دیگر، همچون نایب داوود خان، منافع شخصی‌شان را ترجیح داده، این اصل را زیر پا گذاشتند.

۹- این اصل به نوعی ماده پیشین را مورد تأکید قرار داده و عنوان می‌کند که فرقه دموکرات فارس مال و جان خود را در هر زمانی فدای میهن کرده، در برابر تجاوزات همسایگان ایستادگی خواهد کرد.

۱۰- این فرقه انتشار شب‌نامه را قبیح دانسته و تأکید کردند که تمامی اظهارات خود را بدون هیچ هراسی در جراید به چاپ خواهند رساند. آنان به این اصل نیز پایبند بودند و اهداف و اقدامات خود را در روزنامه‌های ارگان حزب منتشر می‌کردند.

حزب دموکرات فارس، در اوج فعالیت شدید میهنی و ضد استعماری در فارس، به صورت یک جمعیت سیاسی فعال درآمد و نقش رهبری انقلاب را به دست آورد. حزب اعتدال به علت پیشرفت این حزب در سیاست فارس و تأثیر فراوانی که در رشد افکار عمومی داشت، در صدد ائتلاف با حزب مزبور برآمد. بنابراین علمای اعلام و نمایندگان احزاب (اعتدال و دموکرات) و رؤسای ادارات و اعیان و تجار و ملاک و

اصناف، در غره صفرالمظفر در منزل ثقه‌الاعلام که سیدی جلیل‌القدر و آزادی‌خواه بود و در دوره اول مجلس شورای ملی از طرف تجار فارس به نمایندگی مجلس برگزیده شد (شجیعی، ۱۳۴۴: ۱۳۸۱؛ حیوه، جدی ۱۲۹۴ هـ.ش: شماره ۴۵) حضور به هم رسانیدند (رکن‌زاده آدمیت، ۱۳۵۷: ۱۷۱). ائتلاف بین این حزب در دوره اول حیاتش با حزب اعتدال، به منظور دفاع دسته جمعی از استقلال و تمامیت اراضی میهن و حاکمیت ملی و دفاع خائنین و مقابله با اعمال استعمار و طرفداران ارتجاع و استبداد بود. در واقع احزاب مذکور به خاطر تحکیم موقعیت خود در یکدیگر ادغام شدند تا با تمام قوا به مقابله با دشمن مشترک بپردازند. اما در اثر وجود اختلاف نظر و عقیده میان اعضای این دو حزب شکاف ایجاد شد و طولی نکشید که اتفاق آنان به نفاق تبدیل شد و رفته رفته کار اختلاف و کدورت به آنجا کشیده شد که در برابر یکدیگر قرار گرفتند (فراشبندی، ۱۳۵۹: ۸۶). حزب اعتدال دارای مرام سیاسی ملایم بود و با سیاست حزب دموکرات که از افراد تندرو تشکیل شده بود، مغایرت داشت. این امر رفته رفته بین اعضای این دو حزب اختلاف دامنه‌داری را ایجاد کرد و کار این اختلاف عقیده به کشمکش و صف آرایی در برابر یکدیگر منجر شد. در نتیجه دامنه تبلیغات اعضای این دو حزب علیه یکدیگر روز به روز وسعت یافت. تندروی‌های اعضای حزب دموکرات که معمولاً آن را فرقه انقلابی می‌نامیدند و رهبری مبارزه ضد اجنبی را به دست گرفته بودند موافق طبع آزادی‌خواهان میانه رو و معتدل نبود. اعتدالیون، دموکرات‌ها را انقلابیون افراطی و تندرو و ماجراجو و منشأ فتنه و نابسامانی و سبب بروز آشوب و تشنج می‌دانستند و در جراید خود آنان را نقد می‌کردند. دموکرات‌ها، اعتدالیون را که طرفدار روش ملایم و معتدل و حامی منافع فئودال‌ها،

مالکان و بورژوازی بودند مرتجع، خودخواه و محافظه کار می‌نامیدند و آن‌ها را به باد انتقاد می‌گرفتند (فراشبندی، ۱۳۵۹: ۸۸-۸۷). وجود اختلاف نظر بین اعضای دو حزب مخالف که هر روز به شکلی تجلی می‌کرد، بالاخره مسیر فعالیت آن‌ها را دگرگون ساخت و کار را به جایی رسانید که آن دو فرقه سیاسی را به پرتگاه نیستی و اضمحلال و انحلال سوق داد (فراشبندی، ۱۳۵۹: ۸۸-۸۴).

حزب دموکرات جهت هماهنگی و رهبری اعضای حزب سعی داشت شعبه‌هایی را در مناطق گوناگون تأسیس کند. از این رو غضنفر السلطنه برازجانی و احمد پژوه شیرازی درصدد تأسیس شعب حزب در برازجان و بندرعباس برآمدند. اگرچه آنان موفق به راه اندازی حزب دموکرات در این شهرها شدند اما فعالیت آنان به علت اقدامات تهاجمی نیروهای انگلیسی در برازجان و بندرعباس تداوم نیافت. پس از تشکیل حزب دموکرات در شیراز، این حزب با سرعت شگفت‌انگیزی گسترش یافت و در میان طبقات مختلف مردم رسوخ کرد به طوری که توانست نفوذ معنوی فوق‌العاده و موقعیت اجتماعی قابل توجهی کسب نماید، تا آنجا که علاوه بر شخصیت‌های محلی، گروهی از صاحب‌منصبان و افراد ژاندارمری فارس هم عضویت آن را پذیرفتند و به دستور العمل کمیته مرکزی حزب مبنی بر تشکیل سازمان نظام ملی در شیراز به سرعت جامعه عمل پوشاندند و دست به این اقدام زدند. غضنفر السلطنه با زعمای حزب دموکرات شیراز و مخبر السلطنه والی وقت فارس و عضو آن حزب، تماس و ارتباط داشت و با یاور علی قلی خان پسیان هم که مدتی در برازجان بود مناسبات حسنه و مراوده و مکاتبه برقرار کرده بود. از طرفی بر اثر سجایای اخلاقی و فکر خلاق و احساسات شدید میهن دوستی و ضد اجنبی و سایر اوصاف حمیده، در منطقه برازجان

از محبوبیت زیادی برخوردار بود. او از شور و هیجان خاصی که آن روز بر اوضاع برازجان حکمفرما بود بهره جست و به منظور تقویت جنبش‌های ملی در گوشه و کنار فارس زمینه و مقدمات تشکیل حزب دموکرات را که رنگ ملی داشت و در مقابل استعمار موضع گرفته بود از هر جهت در برازجان فراهم ساخت. طرح تأسیس شعبه حزب مذکور در برازجان، به وسیله غضنفر السلطنه ریخته شد و عده کثیری از مردم و روشنفکران آن خطه به حزب مورد بحث پیوستند (فراشبندی، ۱۳۶۵: ۱۱۵-۱۱۴) سپس با مساعی سلطان احمد خان اخگر که حلقه ارتباط مجاهدان جنوب و تشکیلات ژاندارمری فارس و کمیته حزب دموکرات شیراز به شمار می‌رفت، سر و سامان و نضج گرفت (احرار، بی‌تا: ۳۳۶/۱). به همین جهت ضیاء الواعظین مأمور دعوت روسای قشقای به برازجان شد. اما با اشغال برازجان توسط نیروهای انگلیسی و پناه بردن اضطراری غضنفر السلطنه به کوه گیکان و تغییر اوضاع و سیر حوادث ناگوار که در مسیر تاریخ آن خطه، زندگی مردم آن را به کلی دگرگون ساخت، بساط حزب مذکور که صبغه ملی داشت و قاطعانه علیه استعمار فعالیت می‌کرد و تأثیر شگرفی در روحیه و طرز فکر آن ناحیه بخشیده بود کلاً برچیده شد (فراشبندی، ۱۳۶۵: ۱۱۷-۱۱۶).

احمد پژوه شیرازی ملقب به «بشهرمایون» در سال ۱۳۳۳ ه. ق/ ۱۹۱۵ م عضو حزب دموکرات فارس شد و به فعالیت‌های ملی و میهنی پرداخت و از دموکرات‌های فعال به شمار می‌رفت. او ابتدا به عنوان ریاست حسابداری اداره پست فارس به شیراز آمد و پس از یک سال نامزد ریاست اداره پست بندرعباس شد و در این سال رهسپار بندرعباس گشت اما کارش به اسارت کشید. احمد پژوه از طرف کمیته حزب دموکرات فارس مأمور سازمان دهی حزب دموکرات

در بندرعباس شد. از این رو از بدو ورود به این شهر به دستور کنسول انگلیس تحت نظر قرار گرفت. در نهایت علی کرم بیگ توپچی بوالوردی (ابوردی) ملقب به شجاع السلطنه، نایب‌الحکومه بندر عباس، به دستور احمد خان دریاییگی حکمران بندرها جنوب با عده ای تفنگچی و فراش به پست خانه رفته، و او را در ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۳۳ ه.ق / ۳۰ فوریه ۱۹۱۶م در حین انجام وظایف بازداشت نمودند و پس از چند روز او را به احمد خان دریاییگی که برای ملاقات ژنرال سرپرسی سایکس به بندرعباس رفته بود، تسلیم کردند. دریاییگی هم در مراجعت، وی را با کشتی دولتی پرسپولیس به بوشهر برد و در لنگرگاه تحویل مقامات انگلیسی کشتی، پستی داد و کشتی او را به بصره و از آنجا به هندوستان برد و در اردوگاه سمرپور که از ایالت مرکزی هندوستان و شاهزاده نشین و تحت‌الحمایه دولت انگلیس بود، به عنوان اسیر جنگی شماره ۴۳۳۶ زندانی شد و مدت ۱۹ ماه در اسارت‌گاه سمرپور به سر برد (فراشبندی، ۱۳۵۹: ۷۷-۷۶). بنابراین حزب دموکرات فارس به علت توطئه‌های کارگزاران انگلستان در منطقه، موفق به ایجاد شعبه‌هایی در مناطق گوناگون جنوب نشد.

پس از تشکیل پلیس جنوب در شیراز و اشغال نواحی جنوبی ایران، مردم خطه جنوب به خصوص فرقه دموکرات فارس، احساسات خصمانه خود را علیه انگلیسی‌ها ابراز کردند و برای مقابله و مبارزه با اشغالگران به پاخواستند. شدت احساسات ناسیونالیستی و ضد انگلیسی در خطه فارس به گونه‌ای بود که حتی منابع انگلیسی به قوت آن صراحتاً اقرار و اذعان کرده‌اند:

«دولت ایران در ماه رجب ۱۳۳۶ ه.ق / آوریل ۱۹۱۸م پلیس جنوب را مردود اعلام کرد و آن را نیرویی بیگانه شمرد و خطری برای استقلال ایران دانست، دولت

ایران خواستار آن شد که آن نیرو از خاک ایران برچیده شود در نتیجه احساسات ضدانگلیسی در ایالت فارس نضج گرفت. استقرار گروه‌های کثیری از سربازان انگلیسی و هندی در ایران، احساسات ناسیونالیستی شدیدی برانگیخت، اعدام نفرات فراری پلیس جنوب، بازداشت و تبعید آشوبگران سیاسی توسط انگلیسی‌ها، برکناری سریع مأمورانی که نسبت به بریتانیا نظر مساعدی نداشتند و فشارهایی که برای انتصاب آنگلو فیل‌ها به وزارت بر شاه وارد می‌آوردند از عواملی بود که به انزجار شدید انجامید» (رایت، ۱۳۵۷: ۲۰۶-۲۰۳).

وجود پلیس جنوب در فارس که مغایر استقلال و تمامیت ارضی وطن بود و فجایع و مظالم بی‌شمار مقامات انگلیسی، خشم دموکرات‌ها و ناسیونالیست‌های فارس را شدیداً علیه انگلیسی‌ها برانگیخت و اقشار مختلف مردم را به صف‌آرایی و مبارزه در برابر استعمارگران ناگزیر ساخت. حاج شرفه واعظ شهیر که سیدی جلیل‌القدر و آزاده بود و از طرفداران صولت‌الدوله به شمار می‌رفت، در مسجد نو بر فراز منبر در مقابل انبوه مردم، مکتوب هیجان‌انگیز صولت‌الدوله را قرائت کرد. در نتیجه احساسات ضداجنبی آنان را تحریک و سپس قاطبه مردم را به اتحاد و ترقی و تشکل برای مقابله با دشمن غدار دعوت کرد (فراشبندی، ۱۳۶۵: ۴۴-۴۳).

روزنامه «حیوه» نیز اعلامیه‌های آتشین و توفنده سردار عشایر را که ملهم از روح استقلال‌طلبی و احساسات میهن‌دوستی بود خطاب به علماء اعلام، تجار، کسبه و دیگر قشرهای مردم درج و پخش می‌کرد و بدین وسیله احساسات خصمانه و کینه توزانه توده خشمگین را علیه انگلیسی‌ها برانگیخت (حیوه، ۲۵ شوال ۱۳۳۳ ه.ق: شماره ۱۵، ۴ و ۳). اعضای حزب دموکرات فارس با دیگر مجاهدین هم قسم گشته، با قوای متجاوز و

آزادی خواهان جان خود را از دست دادند (سفیری، ۱۳۶۴: ۲۳۷-۲۳۳؛ مابری، ۱۳۶۹: ۳۸۰-۳۷۷).

تشکیل حزب دموکرات فارس مصادف با ریاست وزرایی محمد ولی خان تنکابنی (سپهدار اعظم) بود. در این زمان نظام السلطنه مافی را به والی گری فارس فرستادند. نظام السلطنه مافی در اندک زمانی توانست با کمک صولت الدوله آرامش را برقرار کند و امنیت را به راه‌های تجاری باز گرداند. وی پیش از اقدام به اصلاح امور، صلاح را بر آن دید که کار قوامی‌ها را یکسره نماید تا سایر امور سامان یابد. بر این اساس سعی کرد با صولت الدوله و قوام رابطه برقرار کند تا به نحوی در اقدامات بعدی جلو قوامی‌ها را بگیرد. بنابراین با قوام و نصرالدوله بسیار مماشات کرد و بعد از مدتی دستور دستگیری آنان را داد. بدین خاطر قوام پنج ماه در کنسولگری انگلیس تحصن کرد. این اتفاقات باعث عزل نظام السلطنه شد (بشیری، ۱۳۶۳: ۱۲۴۲/۵؛ ایرجی، ۱۳۷۸: ۱۹-۱۸).

در این زمان در تهران بعد از سپهدار اعظم، صمصام السلطنه بختیاری رئیس دولت شد و مخبر السلطنه به حکومت فارس منصوب گردید (مجلس، شماره ۸۱: ۳؛ غنی، ۱۳۷۸: ۱۳۸). مخبر السلطنه اهل قلم و سیاست بود. زمان شش پادشاه را درک کرده بود و سی سال در صحنه سیاسی ایران بازیگری کرده و در غالب کابینه‌ها عضویت داشت. وی در ۳۰ شوال ۱۳۳۰ه.ق/۱۲ اکتبر ۱۹۱۲ م به حکومت فارس منصوب شد (بامداد، ۱۳۴۷: ۱۸۴/۴؛ هاشمی، ۱۳۲۷: ۱۱۳؛ یغمایی، ۱۳۷۰: ۲۵۴-۲۵۳؛ هدایت، ۱۳۴۴: ۳۱۱؛ بروجنی، ۱۳۵۰: ۸۵). در زمان حضور او در فارس جنگ جهانی اول نیز شروع شد و انگلیسی‌ها در کار اداره فارس دخالت کردند. این امر و حوادث دیگر باعث شد مخبر السلطنه مبارزه سخت و جدی علیه نفوذ بیگانگان آغاز کند. وی قلمرو فارس را از بی‌نظمی و

اشغالگر به دشمنی پرداختند و از هیچ گونه مجاهدت علیه نیروی مزبور فروگذاری نکردند. زعمای حزب دموکرات فارس با وجود خفقان و اختناق شدید و تضییقات فراوانی که از طرف مقامات انگلیسی و والی وقت فارس اعمال می‌شد به مقابله و معارضة با انگلیسی‌ها پرداختند و مردم را به ضدیت و معاندت با انگلیسی‌ها ترغیب و تشویق نمودند. اعضای کمیته حزب دموکرت فارس با تشکیل جلسات و ایراد نطق‌ها و خطابه و انتشار شب‌نامه‌های شدید اللحن و صدور اعلامیه‌ها و بیانیه‌های مخالف منافع و مصالح انگلیسی‌ها و دعوت مردم به تعطیل بازار و اعتصاب عمومی، عرصه را بر پلیس جنوب تنگ کردند (فراشبندی، ۱۳۶۵: ۲۲۵-۲۲۴). از سخن‌گویان تندرو آن‌ها، «محمدباقر دستغیب» و «سید جواد محقق‌العلماء» را می‌توان نام برد (سفیری، ۱۳۶۴: ۲۳۸).

در این میان روحانیون نیز در برابر این نیروی نظامی قیام کردند. صدور فتوای جهاد و ابلاغ پیام سید عبدالحسین مجتهد لاری که در آن زمان از جمله علما و فقهای فارس به شمار می‌رفت به سردار عشایر، گواه این مدعاست. با اقدامات اعضای حزب دموکرات و روحانیون، قیام‌های دیگری نیز در جاهای مختلف فارس شکل گرفت که همه نشانه نارضایتی از اقدام انگلیسی‌ها در این مورد بود از آن جمله می‌توان قیام افشارها، بچاقچی فارسی (سیرجان) سرحدی و پلنگی (نواحی بم و نرماشیر)، افشار عموئی و سرخی عرب خان (بردسیر) را نام برد. در نتیجه کم‌کم انگلیسی‌ها از ادامه کار پلیس جنوب به ستوه آمدند و سعی کردند به کار آن پایان دهند. بنابراین دولت انگلیس که با سماجت از طریق پلیس جنوب در سال ۱۳۳۴ه.ق/ ۱۹۱۶ م وارد منطقه جنوب شده بود، در سال ۱۳۳۹ه.ق/ ۱۹۲۱ م در شرایط سردرگمی از ایران اخراج گردید و در این رویداد تعدد زیادی از

هرج و مرج و دزدی نجات داد (استخر، ۶ آذر ۱۳۳۱ ه.ش: شماره ۱۵۱۹، سال ۳۵، ۱). در ۲۷ رمضان ۱۳۳۳ ه.ش/ق/ ۸ اوت ۱۹۱۵ م انگلیسی‌ها بوشهر را اشغال کردند. مخبرالسلطنه با رعایت رویه عمومی دولت مرکزی به اقدامات انگلیسی‌ها اعتراض نمود و با اطمینان از حمایت عمومی در فارس در مقابل آنان ایستادگی کرد. این ایستادگی تا به آنجا ادامه یافت که انگلیسی‌ها هدف اولیه خود از اشغال بوشهر را، که وادار کردن دولت مرکزی ایران به همراهی با خویش بود، کنار گذاردند و این هدف را به عزل مخبرالسلطنه تغییر دادند. در چنین شرایطی به اشاره مستوفی‌الممالک (نخست وزیر)، مخبرالسلطنه حاضر به کناره‌گیری از ایالت فارس شد (خیراندیش، ۱۳۷۳: ۱۵۷-۱۵۵).

بنابراین مخبر السلطنه پس از سه سال خدمت در ۵ ذی‌قعدة ۱۳۳۳ ه.ش/ق/ ۱۵ سپتامبر ۱۹۱۵ م به تهران مراجعت کرد. در نهایت با اشغال بوشهر توسط انگلیسی‌ها دوره اول حیات حزب دموکرات فارس در شیراز هم‌مانند برازجان و بندرعباس به پایان رسید (تدین، ۱۳۸۴: ۲۵۸).

نتیجه

فعالیت‌های حزبی با تشکیل مجلس که آن نیز دستاورد انقلاب مشروطه بود، آغاز شد. با تشکیل حزب دموکرات، عده زیادی از افراد و شخصیت‌ها به عضویت آن در آمدند و دگرگونی‌های بسیاری را در ابعاد سیاسی - اجتماعی و فرهنگی ایجاد کردند. حزب دموکرات فارس به عنوان شعبه‌ای از حزب دموکرات ایران بود که با افراد حیدرخان عمواغلی و آصف الملک از تهران در اواخر ربیع الاول ۱۳۲۹ ه.ش/ق/ اواخر مارس ۱۹۱۱ م در دوره حکومت احمد شاه قاجار در شیراز تشکیل شد. این حزب از اعضای گوناگون با

عقاید مختلف تشکیل شده بود. از معروف‌ترین اعضای این حزب می‌توان به میرزا احمد حکیم رابط، شیخ عبدالرسول نیر شیرازی، شیخ محمد رضا ابوالاحرار، علی آقا ذوالریاستین، میرزا احمد باقر دستغیب، سید جواد محقق العلماء، میرزا عبدالحسین ذوالریاستین، محمد اسماعیل تاجر کازرونی، معدل الممالک و میرزامحمد حسن دوا فروش، مدیر الدوله فانی اشاره کرد و به مرور زمان افراد دیگری نیز به این حزب پیوستند. این حزب از گروه‌های مختلفی تشکیل شده بود؛ از طبقه علما، اصناف و افراد برجسته محلات در این حزب عضویت داشتند و شاید همین ناهمگونی طبقاتی را می‌توان عوامل ناکارآمدی این حزب به شمار آورد.

از سوی دیگر حزب دموکرات فارس در دوره اول که به عضوگیری اشتغال داشت، با حزب اعتدال هم همکاری کرد ولی چون حزب اعتدال دارای مرام سیاسی ملایمی بود با شیوه سیاسی حزب دموکرات که از افراد تندرو تشکیل شده بود مغایرت داشت. همین امر رفته رفته بین اعضای این دو حزب اختلاف دامنه‌داری ایجاد کرد و سایر فعالیت‌های آنان را دگرگون ساخت. در نهایت این منازعات آن دو فرقه سیاسی را به پرتگاه نیستی و انحلال و انحلال سوق داد. بنابراین همین اختلافات و برخوردهای درون حزبی را نیز می‌توان از عوامل عدم کارآمدی و پیشرفت حزب دموکرات فارس دانست.

به طور کلی می‌توان گفت کادر حزب دموکرات در شیراز و استان فارس در دوران پایانی، بیشتر از آن‌که دغدغه فعالیت‌های حزبی و سامان‌یابی تحزب در منطقه جنوب کشور را داشته باشند به نوعی عملگرایی به نام حزب پرداختند و از موقعیت حزب برای رسیدن به مقاصد شخصی و سیاسی خود استفاده کردند.

- منابع
- الف) کتاب‌ها
- آدمیت، فریدون (۱۳۵۴) فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران، تهران: پیام.
 - اتحادیه، منصوره (۱۳۶۱) پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت، تهران: گستره.
 - احرار، احمد (بی‌تا) توفان در ایران، ج ۱، تهران: نوین.
 - ایرجی، ناصر (۱۳۷۸) ایل قشقایی در جنگ جهانی اول، تهران: شیرازه.
 - بامداد، مهدی (۱۳۴۷) شرح حال رجال ایران در قرون ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، ج ۴، تهران: کتابفروشی زوار.
 - بهار، محمد تقی (ملک الشعرا) (۱۳۸۰) تاریخ مختصر احزاب سیاسی، تهران: امیرکبیر.
 - تدین، پروین دخت (۱۳۸۴) والیان و استانداری فارس بین دو انقلاب (انقلاب مشروطیت و انقلاب اسلامی)، تهران: امید ایرانیان، شیراز: بنیاد فارس شناسی.
 - تقی‌زاده، سید حسن (۱۳۳۸) خطابه (تاریخ اوایل انقلاب مشروطیت ایران)، تهران: باشگاه مهرگان.
 - ذبیح، سپهر (۱۳۶۴) تاریخ جنبش کمونیستی در ایران، تهران: مؤسسه مطبوعاتی عطایی.
 - رایت، دنیس (۱۳۵۷) انگلیسیان در ایران در روزگار پادشاهان قاجار، غلامحسین صدری افشار، تهران: دنیا.
 - راین، اسماعیل (۱۳۵۵) انجمنهای سری در انقلاب مشروطیت، تهران: سازمان چاپ و انتشارات جاویدان.
 - رکن‌زاده آدمیت، محمد حسین (۱۳۵۷) فارس و جنگ بین الملل، تهران: اقبال.
 - سپهر، مورخ الدوله (۱۳۶۲) ایران در جنگ بزرگ ۱۹۱۸-۱۹۱۴ م، تهران: ادیب.
 - سفیری، فلوریدا (۱۳۶۴) پلیس جنوب ایران، ترجمه: منصوره اتحادیه و منصور جعفری فشارکی، تهران: نشر تاریخ ایران.
 - شجیعی، زهرا (۱۳۴۴) نمایندگان مجلس در ۲۱ دوره قانونگذاری، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
 - صفری، بابا (۱۳۸۱) یکصد و هشتاد ماه تقویم تطبیقی روزها، ماه‌ها، سالهای شمسی، قمری، میلادی در ۱۸۰ سال اخیر، تهران: وداد.
 - ضرغام بروجنی، جمشید (۱۳۵۰) دولتهای مشروطیت، تهران، اداره کل قوانین مجلس شورای ملی، چاپخانه مجلس شورای ملی.
 - غنی، سیروس (۱۳۷۸) ایران برآمدن رضاخان و برافتادن قاجار و نقش انگلیسی‌ها، ترجمه: حسن کامشاد، تهران: نیلوفر، چاپ دوم.
 - فراشبندی، علیمراد (۱۳۵۹) تاریخچه حزب دموکرات فارس، تهران: انتشارات اسلامی.
 - ----- (۱۳۶۵) جنوب ایران در مبارزات ضد استعماری، تهران: انتشارات انتشار.
 - ملکزاده، هیربد، حسین (۱۳۲۸) سرگذشت حیرت انگیز، تهران: بی‌جا.
 - مابری، جیمز (۱۳۶۹) عملیات در ایران، ترجمه: کاوه بیات، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
 - مدیرشانه‌چی، محسن (۱۳۷۵) احزاب سیاسی ایران با مطالعه موردی نیروی سوم و جامعه سوسیالیست‌ها، تهران: طلایه.
 - نوایی، عبدالحسین (۱۳۷۵) تاریخ ایران از مشروطه

- تا قاجار، تهران: بابک.
- دنیا، مجله سال ۱۳۴۵.
- نیر شیرازی، عبدالرسول (۱۳۸۳) تحفه نیر (یادداشت‌های عارف آزادی خواه شیخ عبدالرسول نیر شیرازی)، تصحیح و توضیح محمد یوسف نیری، جلد ۱، شیراز: بنیاد فارس شناسی.
- هاشمی، محمد (۱۳۲۷) روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، مذاکرات مجلس در دوره اول و دوم تقنینیه، چاپخانه مجلس شورای ملی.
- هدایت، مهدی قلی (مخبر السلطنه) (۱۳۴۴) خاطرات و خطرات، تهران: زوار.
- یوسفیه، ولی الله (۱۳۵۱) احزاب سیاسی، تهران: بی‌نا.

ب) مقالات

- خیر اندیش، عبدالرسول (۱۳۷۳) فارس در جنگ جهانی اول، مجموعه مقالات قیام جنوب در جنگ جهانی اول، جمعی از اعضای هیئت علمی کنگره، کنگره بزرگداشت هشتادمین سال شهادت رئیس علی دلواری، بوشهر: میراث فرهنگی.
- یغمایی، اقبال (۱۳۷۰) مشاهیر رجال، مجموعه مقالات، باقر عاقلی، تهران: نشر گفتار.

ج) اسناد

- کتاب آبی (۱۳۶۳) گزارشهای محرمانه وزارت امور خارجه دربار انقلاب مشروطه ایران، به کوشش: احمد بشیری، جلد ۵، تهران: نشر نو، چاپ دوم.

د) روزنامه‌ها و مجلات

- استخر، روزنامه سال‌های ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸.
- جام جم، سال ۱۳۳۳.
- حیوه، روزنامه سال‌های ۱۳۳۳، ۱۳۳۴.